

دیوان بین‌المللی دادگستری

سابقه - از قرونیه که روابطه بین المللی توسعه یافته اند احتمال بروز اختلافات بین المللی نیز ، با نتایج شوم آنها ، بیشتر شده است . از طرف دیگر ، طرق حل اختلافات بین المللی نیز بتدریج تکامل می یابند . طرق مزبور مختلف هستند ، مثل مذاکرات مستقیم و میانجیگری و آشتی و داوری . از لحاظ تکامل طریق قضائی حل اختلافات بین المللی میتوان گفت حکمیت اولین قدمی بوده است . بهمین مناسبت در اواخر قرن نوزدهم مجاهداتی بعمل آمد که یک دیوان حکمیت ، مرکب از اشخاص صلاحیت دار ، تشکیل گردد و پیوسته برای مراجعه کشورها آماده کار باشد . باین منظور در کنفرانسهای بین المللی سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لایحه بکدستگاه منظم حکمیت بین المللی طرح ریزی شد . ولی این اقدام مفید در نتیجه جنگهای بین الملل اول (۱۹۱۴ - ۱۸) بلا اثر ماند .

در سال ۱۹۱۹ جامعه مللی ایجاد شد که کلیه دول ، با شرایط معینی ، حق عضویت در آن داشتند . بموجب قرار داد بین المللی تشکیل دهنده مؤسسه (میثاق) ، این مؤسسه مأموریت یافت که در باره حل مسالمت آمیز اختلافات و وضعیتهای خطرناک بین المللی مجاهدت کرده و طبق شرایط معینی از کشمکشهای بین المللی جلوگیری کند . این مؤسسه شامل رکن قضائی (بعنوان دیوان بین المللی یاد دیوان حکمیتی) نبود ، ولی ماده ۱۴ میثاق پیش بینی کرد که شورای جامعه ملل طرح تشکیل یک دیوان دائمی بین المللی دادگستری را تهیه نموده و برای تصویب آن را با اعضای جامعه ملل ارائه دهد .

در پیرو پیش بینی فوق الذکر ، در سال ۱۹۲۰ از طرف شورای جامعه ملل پروتکلی برای تصویب شدن بکشورهای جهان تسلیم گردید .

این پروتکل تشکیل يك ديوان دائمی بين المللی دادگستری را حاکی بوده و اساسنامه آنرا نیز در پیوست داشت . این پروتکل و اساسنامه پیوستی آن بزودی از طرف بیش از چهل دولت تصویب گشت و تشکیل ديوان عملی شد . ديوان مقر خود را در لاهه (هلند) قرار داد .

ديوان دائمی بين المللی دادگستری مزبور جزو ارکان جامعه ملل نبود ، ولی در عین حال بودجه آن از طرف جامعه ملل پرداخت میشود ، و بعلاوه قضات آن از طریق جامعه ملل انتخاب میشوند . (عین ترتیبی که در بساره ديوان فعلی بعداً ذکر خواهیم کرد) .

از جهت شباهت کلی که بين مشخصات ديوان مزبور و ديوان بين المللی دادگستری فعلی موجود است ، از بیان آنها ، از لحاظ اجتناب از تکرار مطلب ، خود داری میشود .

یاد آور میشود که ديوان دائمی بين المللی دادگستری که عملاً تا سال ۱۹۳۹ (سال حمله آلمان به هلند) مشغول کار بود از مؤسسات مفید بين المللی محسوب گشته حسن شهرت بسزائی بدست آورده بود .

در سال ۱۹۴۵ چهار دولت آمریکا و انگلیس و شوروی و چین پیشنهادهائی بنام « پیشنهادات دهمبارتن اگس » تسلیم دول متحد خود نمودند . در این پیشنهادات تشکیل يك سازمان جهانی (بجای جامعه ملل سابق) پیشنهاد شده بود که برای تأمین صلح و امنیت بين المللی و متمرکز ساختن مجاهدات بشر برای بهبودی اوضاع اقتصادی و اجتماعی کلیه ملل جهان ایجاد گردد . از نکات مهم پیشنهادات دهمبارتن اگس این بود که تشکیل يك ديوان بين المللی دادگستری را نیز پیش بینی نموده و ، برخلاف میثاق جامعه ملل سابق ، آنرا جزو ارکان اصلی سازمان مزبور محسوب داشته بود . ولی پیشنهادات مزبور در باره این سؤال مهم ساکت بودند که آیا ديوان مورد نظر همان ديوان دائمی بين المللی دادگستری سابق باشد که با اساسنامه اصلاح شده بکار خود ادامه دهد و یا اینکه ديوان سابق برچیده شده و ديوان جدیدی تشکیل گردد که در تنظیم اساسنامه آن اساسنامه ديوان سابق مبنی قرار گیرد ؟

اختیار یکی از دو شق نامبرده به کنفرانس سانفرانسیسکو واگذار شده بود (این کنفرانس برای تنظیم منشور ملل متحد بر اساس پیشنهادات دمبارتن اکس و پیشنهادات سایر دول از طرف کلیه دول متحد تشکیل شده بود). انتخاب هر يك از این دو شق مشکلات قضائی و سیاسی داشت. بالاخره کنفرانس مزبور شق دوم را انتخاب کرده و دیوان جدیدی تشکیل داد. اساسنامه دیوان را نیز جزو لاینفک منشور ملل متحد ساخت.

بموجب تصویب منشور ملل متحد، از طرف اکثریت مورد لزوم از دول عضو، تشکیل این سازمان، من جمله تشکیل دیوان بین‌المللی دادگستری لازم الاجرا گردید. قضات دیوان در تاریخ ۳ فوریه ۱۹۴۶ طبق پیش بینی اساسنامه آن انتخاب شده و در تاریخ ۳ آوریل ۱۹۴۶ اولین جلسه آن در لاهه (مقر دیوان سابق) تشکیل گردید.

از لحاظ اجتناب از وجود دو دیوان بین‌المللی در يك زمان، قضات دیوان سابق استعفا داده و بلافاصله خود دیوان نیز برچیده شد.

اساسنامه دیوان - اساسنامه دیوان، که ترکیب و اختیارات و آئین عمومی کار دیوان را تعیین میکند، در ۷۰ ماده تنظیم یافته است و طبق ماده ۹۲ منشور جزو لاینفک منشور میباشد.

قضات دیوان - دیوان دارای بانزده قاضی است، بدون اینکه در میان آنها بیش از یک نفر تبعه همان دولت باشد (ماده ۳ اساسنامه). این قضات مستقل بوده و بدون توجه به ملیت آنها انتخاب میشود (ماده ۲). نکته قابل ملاحظه اینست که قضات مزبور بایست نه فقط شخصاً دارای عالیترین مقام علمی و اخلاقی باشند بلکه مجموعاً بتوانند نماینده اقسام بزرگ تمدنها و مهمترین اسلوبهای قضائی جهان نیز باشند (ماده ۹). برای انتخاب قضات دو مرحله متفاوت پیش بینی شده اند: اول نامزد کردن دوم انتخاب کردن.

برای نامزد کردن اشخاص برای این منظور دو فکر از سابق مورد نظر بود. ۱) این عمل مستقیماً از طرف خود کشور های عضو دیوان بعمل آید. ۲) نامزدی از طرف دستجات ملی علاقمند هر کشور عضو انجام شود. بالاخره کنفرانس سانفرانسیسکو، بادر نظر گرفتن اینکه طریقه اول ممکن است

بیشتر جنبه نمایندگی کشورها را پیدا کند تا صلاحیت علمی، مهمم بر این شد که طریقه دوم فوق‌الذکر را قبول کند (ماده ۴) .

سه ماه قبل از انجام انتخاب، رئیس کل دبیرخانه ملل متحد از دستجات صلاحیت دار دعوت میکنند که هر دسته حداکثر چهار نفر (منتها دو نفر آنها از ملیت خود آندسته) معرفی کند (ماده ۵) .

انتخاب قضات از بین نامزد های فوق‌الذکر وسیله مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد انجام میگردد (ماده ۴) . کسانی منتخب برای کرسیهای خالی دیوان محسوب میشوند که هم در مجمع عمومی و هم در شورای امنیت دارای اکثریت تام بوده اند . در رأی دادن شورای امنیت حق و تو اعضاء دائم وجود ندارد (ماده ۱۰) .

قضات برای مدت سه سال انتخاب میشوند مگر استعفاء دهند . بعد از اختتام مدت مزبور قابل تجدید انتخاب شدن هستند (ماده ۱۳) . از لحاظ عوض نشدن کلیه قضات دیوان در یک زمان، مقرر شده است که هر سه سال پنج نفر از قضات مزور برای مدت سه سال انتخاب شوند . باین ترتیب پنج نفر از قضات دوره اول برای سه سال و پنج نفر دیگر برای شش سال و پنج نفر آخر برای نه سال (بحکم قرعه) از بین انتخاب شدگان تعیین شده اند (ماده ۱۳) .

قضات دیوان نمیتوانند هیچ مأموریت اداری یا شغل حرفه‌ای داشته باشند (ماده ۱۶) . همچنین مجاز نیستند در کاری سمت نمایندگی یا مشاوره یا وکالت پذیرند (ماده ۱۷) .

قضات دیوان را نمیتوان از کار خود منفصل کرد مگر با تصویب کلیه قضات دیگر (ماده ۱۸) . قضات در اجرای وظایف خود دارای مـزایا و مصونیت های سیاسی هستند (ماده ۱۹) .

برای اینکه دیوان بتواند تشکیل گردد نصاب نه نفر قاضی کافی خواهد بود . ولی در همه حال نباید عده قضات حاضر برای تشکیل دیوان بکمتر از دوازده برسد . با رعایت شرط مزبور دیوان میتواند مقرر دارد که یک یا چند نفر از قضات بنوبت و بر حسب اوضاع از شرکت در جلسات معاف گردند (ماده ۲۵) .

اگر در دیوان هیچکس از ملیت اطراف دعوا وجود نداشته باشد، هر يك از آنها میتواند بکنفر (که حتی الامکان از نامزد های سابق باشد) انتخاب نماید تا بعنوان قاضی در محاکمه شرکت کند. این حق درباره یکی از طرفین دعوا نیز ملحوظ شده است اگر از ملیت طرف دیگر بین قضات موجود باشد (ماده ۳۱)

اعضای دیوان - اعضای دیوان‌های بین‌المللی کلیه دول مستقل نیستند بلکه دولتی میباشند که عضویت آنها را بپذیرند. درباره دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری نیز بطوریکه قبلاً گفته شد چون دیوان مزبور جزو ارکان جامعه ملل نبود بدین جهت عضویت در جامعه ملل نیز مستلزم قبول عضویت دیوان مزبور نمیشد. از نتایج مهم محسوب کردن دیوان فعلی جزو ارکان اصلی ششگانه سازمان ملل متحد اینست که کلیه اعضاء اصلی و جدید ملل متحد خود بخود (ipso facto) بعضویت دیوان بین‌المللی دادگستری نیز درمیایند، دولت امریکا و روسیه، با وجود اینکه عضویت دیوان سابق را نپذیرفتند، از طریق پیش بینی فوق‌الذکر منشور ملل متحد بعضویت دیوان فعلی در آمده‌اند.

علاوه بر عضویت اعضاء ملل متحد در دیوان فعلی، کشور های غیر عضو ملل متحد نیز میتوانند، تحت شرایطی که مجمع عمومی باتوصیه شورای امنیت ملل متحد تعیین میکنند، عضویت دیوان را قبول کنند. دولت سوئیس از این طریق بعضویت دیوان در آمده است. عموماً شرایط مقرر مزبور نیز شامل تعهداتی است که برای خود اعضاء ملل متحد از عضویت در دیوان حاصل میشوند.

همچنین، علاوه بر اعضاء دیوان، دول غیر عضو نیز میتوانند، تحت شرایطی که شورای امنیت ملل متحد تعیین میکند، قضایای مورد اختلاف خود را برای رسیدگی قضائی بیدیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کنند (ماده ۳۵).

صلاحیت دیوان - فقط دولتها میتوانند بیدیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند (ماده ۳۶) اگر چه مورد دعوا ممکن است حقوق اتباع آنها باشد.

یکی از نقاط ضعف دستگاه قضائی بین‌المللی اینست که اولاً عضویت در دیوان بین‌المللی دادگستری برای کلیه دول جهان اجباری نیست ثانیاً در صورت عضویت نیز دیوان مزبور صلاحیت اجباری بکلیه دعاوی دول عضو خود ندارد .

در موقع تشکیل دیوان فعلی (همچنین دیوان سابق) دو نظر متفاوت در باره صلاحیت دیوان بین‌المللی پیشنهاد شده بود : ۱) صلاحیت دیوان برای کلیه اختلافات قضائی بین‌المللی اجباری باشد . ۲) صلاحیت دیوان فقط در صورتی ایجاد شود که هر دو طرف اختلاف بین‌المللی بآن رضایت دهند . بالاخره حد متوسطی بین این دو نظر پیش بینی شده و در ماده ۳۶ اساسنامه ذکر گردیده است . از لحاظ اهمیت آن متن ماده را ذیلاً ذکر می‌کنم .

ماده ۳۶ : ۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت بکلیه اموریکه اطراف دعوی باو رجوع میکنند و همچنین نسبت بموارد خاصی که بموجب منشور ملل متحد یا بموجب عهد نامه و قرار دادهای جاری پیش بینی شده است صلاحیت رسیدگی دارد .

۲ - دولتهای امضاء کننده این اساسنامه میتوانند در هر موقع اعلام دارند که فضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را نسبت بتمام اختلافاتیکه جنبه قضائی داشته و مربوط بموضوعات ذیل باشد در مقابل هر دولت دیگری که این تمهد را متقبل گردد بخودی خود و بدون قرار داد خاصی قبول می‌نماید .

الف - تفسیر يك عهد نامه .

ب - هر مسئله که موضوع حقوق بین‌المللی باشد .

ج - حقیقت هر امریکه در صورت ثبوت نقض يك تعهد بین‌المللی محسوب میشود .

د - نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض يك تعهد بین‌المللی داده شود .

۳ - اعلامیه‌های مذکور بالا ممکن است بدون هیچ قیدوباششرط معامله متقابله باچند دولت یا با بعضی از آنها و یا برای مدت معینی بعمل آید .

۴ - این اعلامیه ها بر تیس کل دبیرخانه ملل متحد تسایم میگردد و مشارالیه رونوشت آنرا بامضاء کنندگان این اساسنامه و همچنین بدفتردار دیوان بین‌المللی دادگستری ارسال میدارد .

۵ - اعلامیه هائیکه بموجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی برای مدت معینی بعمل آمده و هنوز آن مدت منقضی نگشته است در روابط بین‌امضاء کنندگان این اساسنامه در حکم آن خواهد بود که قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری برای بقیه مدت مذکور در آن اعلامیه و بر طبق مقررات آنها قبول شده است .

۶ - در صورت اختلاف راجع بصلاحیت دیوان حکم دیوان قاطع است . علاوه بر مراتب بالا ، طبق ماده ۳۶ منشور ملل متحد ، شورای امنیت ملل متحد (همچنین مجمع عمومی) نیز باید در حین اقدام بتوصیه هائی جهت حل مسالمت آمیز اختلافاتیکه سازمان مزبور رجوع شده‌اند این نکته را منظور نظر داشته باشد که بطور کلی اختلافات قضائی را بدیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کند .

همچنین ، بطوریکه بعداً خواهیم گفت ، شورای امنیت و یا مجمع عمومی و یا ارکان دیگر سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن (با اجازه مجمع عمومی ملل متحد) ممکن است درباره موارد مورد صلاحیت خود (این موارد شامل اختلافات و وضعیتهای بین‌المللی رجوع شده به شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد نیز میشود) رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را ، طبق ماده ۹۶ منشور ملل متحد ، بخواهند . اهمیت این گونه رایهای مشورتی در این است که در تصمیم رکن تقاضا کننده رأی مشورتی در باره موضوع مورد بحث مؤثر واقع میگردد .

درباره رسیدگی نسبت بموارد تحت صلاحیت دیوان ، دیوان طبق حقوق بین‌المللی اقدام بقطع و فصل میکند وبعلاوه موظف است که موازین زیر را اجرا کند (ماده ۳۸) :

۱ - رعایت قواعد معینی که طبق عهد نامه های بین‌المللی ، اعم از عمومی وخصوصی ، صریحاً مورد قبول طرفین دعوا قرار گرفته اند .

۲ - رسوم بین‌المللی که در نتیجه رعایت آنها از طرف عموم بمنزله يك اصل حقوقی شناخته شده اند .

۳ - اصول عمومی حقوقی که مورد قبول ملل متمدن است .

۴ - با رعایت این اصل که احکام دیوان فقط در باره طرفین دعوا و در باره همان دعوا الزام آور میباشند (ماده ۵۹) ، در نظر گرفتن تصمیمات قضائی و عقاید برجسته ترین مؤلفین مختلف .

آئین دادرسی دیوان - زبانهای رسمی دیوان فرانسه و انگلیسی

است . بدخواست هر طرف دیوان اجازه میدهد که آن طرف زبانی غیر از دو زبان مزبور بکاربرد (ماده ۳۹) . دعوی بوسیله ابلاغ توافقی اطراف دعوا و یا بوسیله دادخواستی بدفتر دیوان داده میشود ، دفتر دار مراتب را بهر ذینفع ابلاغ کرده و نیز بر رئیس کل دبیر خانه ملل متحد اطلاع میدهد (ماده ۴۰) . طرفین دعوا بوسیله نمایندگان خود در دیوان حضور پیدا میکنند . نمایندگان مزبور ممکن است از مشاورین حقوقی و یا وکلای دادگستری نیز کمک بگیرند . نمایندگان و مشاورین و وکلای مزبور دارای مزایا و مصونتهائی خواهند بود که برای انجام آزادانه وظایف آنها لازم میباشد (ماده ۴۲) .

آئین رسیدگی مرکب میشود از مرحله کتبی و شفاهی : آئین کتبی عبارت است از ابلاغ لوایح متقابل و مدارک مربوط و جواب آنها بقاضی و بطرف . آئین شفاهی عبارت است از استماع اظهارات طرفین و شهود و کارشناسان (ماده ۴۳) . برای جمع آوری هر گونه وسائل اثبات و ابلاغ اوراق ، بهر کس غیر از نمایندگان و مشاورین و وکلای طرفین ، مستقیماً بدولتی مراجعه میشود که اعمال مزبور در خاک آن دولت تولید اثر خواهد کرد (ماده ۴۴) .

جلسه رسیدگی علنی است مگر اینکه دیوان برخلاف آن تصمیم بگیرد (ماده ۴۶) . در هر موقع دیوان میتواند يك تحقیق و یا يك کارشناسی را بهر شخص یا هیئت یا دفتر یا کمسیون و یا مؤسسه ای که خود دیوان انتخاب میکند مراجعه نماید (ماده ۵۰) . بعد از رسیدگی لازم باظهارات و مدارک طرفین رئیس ختم محاکمه را اعلام میکنند و سپس هیئت دیوان بشاوره میپردازد .

مشاوره دیوان باید سری بعمل آمده و سری هم بماند (ماده ۵۴) .
 احکام دیوان با اکثریت قضات حاضر صادر می‌گردد ، و در صورت تساوی
 آراء رأی رئیس با جاییشن اوقاطع می‌باشد (ماده ۵۵) . حکم باید موجه بوده
 و اسامی قضات شرکت کننده در محاکمه را شامل باشد (ماده ۵۶) . هر
 قاضی نیز در صورت مخالفت با رأی اکثریت حق دارد شرح عقیده شخص خود
 را پیوست حکم کند (ماده ۵۷) .

احکام دیوان قطعی هستند در صورت اختلاف در معنی احکام ، خود
 دیوان صلاحیت تفسیر آنها را دارد (ماده ۶۰) .

تا مدت دهسال از تاریخ صدور حکم اگر کشف امری بعمل آید که
 در قضیه اثر قطعی داشته و طرف دعوا و یا دیوان از وجود آن اطلاع نداشته
 باشد ، هر يك از طرفین میتوانند تا مدت شش ماه بعد از کشف مزبور تقاضای
 تجدید نظر در قضیه را از دیوان بین‌المللی دادگستری بکنند (ماده ۶۱) .

دیوان مختار است ، با تشخیص خود ، اقدامات موقتی تعیین بکند که
 برای حفظ حقوق طرفین در مدت رسیدگی دعوا لازم باشند . این اقدامات بایست
 بطرفین دعوا و شورای امنیت ملل متحد اطلاع داده شوند (ماده ۴۱) .

اجرای احکام - مرحله اجرای احکام محاکم قضایی از مراحل
 مهم و مؤثر تکامل دستگاههای مزبور است . در باره احکام صادره از دیوان
 بین‌المللی دادگستری فعلی (و همچنین از دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری
 سابق) ، با وجود اینکه طرفین اختلاف ملزم با اجرای احکام مزبور هستند
 (ماده ۹۴ منشور ملل متحد) ، معینا برای اجرای این احکام ، در صورت
 عدم رعایت الزام اجرای آنها ، تاکنون دستگاه مخصوصی بین‌المللی بوجود
 نیامده است .

ایجاد دستگاه مجریه نامبرده در بالا مدتهاست مورد علاقه و آرزوی
 عدالت خواهان جهان است ، ولی متأسفانه جهات ارتباط این موضوع با سایر
 امور بین‌المللی از تکامل این قدرت مانع شده و اکنون این عمل بترتیب زیر
 از طریق سازمان ملل متحد انتظار میرود :

طبق بند ۲ از ماده ۹۴ منشور ملل متحد ، اگر یکی از طرفین دعوا تمهیدات را که بموجب حکم دیوان بین‌المللی دادگستری برای او ایجاد میشود اجرا نکنند ، طرف دیگر حق دارد بشورای امنیت رجوع کند . در این صورت شورای مزبور مختار است ، در صورتیکه مقتضی بداند ، توصیه‌هایی بکند و یا برای اجرای آن حکم تصمیماتی اتخاذ نماید . بنابراین ، با وجود پافشاریهای زیادی که از طرف بعضی از نمایندگان در کنفرانس سانفرانسیسکو در موقع تنظیم منشور ملل متحد در این باره بعمل آمد ، بالاخره اجرای احکام دیوان بین‌المللی دادگستری از طریق شورای امنیت اجباری نبوده بلکه بشخصی آن شورا گذاشته شده است .

طبق ماده ۱۳ میثاق جامعه ملل سابق ، اعضای جامعه تمهید شده بودند که از روی کمال صمیمیت احکام صادره از دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری سابق را اجرا کنند و هر عضو جامعه که با حکام مزبور تمسکین کند بر او قیام بچنگ نمایند . چنانچه آن احکام بموقع اجرا گذاشته نمیشدند ، طبق همان ماده ، شورای جامعه ملل اجازه داده شده بود که اقدامات لازمه که اجراء حکم را تا مین کنند پیشنهاد نماید .

ناگفته نماند که تجربیات گذشته نشان میدهد که شگفتی‌ترین مرحله در باب حل اختلافات بین‌المللی از طریق محاکم قضائی بین‌المللی عبارت است از جلب توافق طرفین اختلافات بر رجوع کردن قضیه به محاکم مزبور . در صورتیکه این مرحله انجام یافت کمتر اتفاق میافتد که طرفین اختلافات از قبول احکام صادره خود داری کنند . بطوریکه تا کنون کلیه احکام صادره از طرف دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری سابق و دیوان بین‌المللی دادگستری فعلی بدون چون و چرا از طرف طرفین قضایا مورد اجرا قرار گرفته‌اند .

آرای مشورتی - رأی مشورتی يك محکمه قضائی درباره موضوع معینی عبارت است از اظهار نظر محکمه ، از لحاظ حقوقی ، در باره آن موضوع ، بدون اینکه رعایت مفاد این اظهار نظر نسبت باشخاص یا دولتهای ذیدخل یا ذینفع در آن موضوع جنبه الزامی داشته باشد . ولی نهایت از

نظر دور داشت چنین اظهار نظرها از جهات سیاسی و اخلاقی اهمیت بسزایی هستند .

در خواست آرای مشورتی محاکم قضایی از سابق ، مخصوصاً در دستگاههای قضایی ملل انگلو ساکسون ، معمول شده است .

امروزه در قوانین اساسی عده زیادی از کشورها نیز این طریقه ، برای روشن کردن جوانب حقوقی قضایای مورد اختلاف نظر ، پیش‌بینی گردیده است . محاسن این طریقه را اجتناب از طرف دعوا قرار گرفتن در محاکم و ، در عین حال ، دانستن نظر محاکم ناپرده از لحاظ قضایی میدانند .

در محیط بین‌المللی نیز استفاده از آرای مشورتی محاکم قضایی از موقع تأسیس دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری سابق شروع شد . ماده ۱۴ میثاق جامعه ملل سابق ، در ضمن پیش‌بینی تشکیل دیوان مزبور ، اشعار داشت که دیوان صلاحیت دارد در هر اختلاف یا هر مطلبی که شورا یا مجمع عمومی باو مراجعه نمایند رأی مشورتی دهد .

هنگام اصلاح اساسنامه دیوان مزبور نیز این پیش‌بینی در آن اساسنامه منعکس شد . از تاریخ تأسیس دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری (۱۹۲۰) تا سال ۱۹۳۹ مجموعاً دیوان مزبور ۲۷ فقره رأی مشورتی داد .

منشور ملل متحد کنونی نیز در ماده ۹۶ خود پیش‌بینی میکند که مجمع عمومی و یا شورای امنیت میتواند در هر مسئله قضایی از دیوان بین‌المللی دادگستری فعلی رأی مشورتی بخواهند . علاوه طبق همان ماده ، ارکان دیگر سازمان و مؤسسات تخصصی آن نیز در يك موقع از طرف مجمع عمومی مجاز باین امر گردند حق دارند ، نسبت بمسائل قضایی که ممکن است در دائره فعالیت آنها پش آید ، از دیوان مزبور رأی مشورتی بخواهند . صلاحیت دیوان مزبور در این ماده در واد ۶۵ تا ۶۸ اساسنامه آن (که جزو لا ینفک منشور ملل متحد است) نیز منعکس شده است .

اهمیت پیش بینی فوق الذکر اینست که ارکان سازمان ملل متحد و با اجازه آن سازمان ، مؤسسات تخصصی صلاحیت درخواست رأی مشورتی را ، در حدود دائره فعالیت خود ، دارند نه دول عضو دیوان . اگر يك یا چند دولت عضو احتیاج بچنین رأی مشورتی داشته باشند بایست از طریق سازمان ملل متحد چنین درخواستی را بعمل آورند نه مستقیماً . این پیش بینی منشور با توسعه فعالیت و تعداد سازمانهای بین المللی ارتباط نزدیک دارد . بدین طریق سازمانهای مزبور که حق طرف شدن در دیوان بین المللی دادگستری ندارند (این عمل فقط برای دول مستقل ممکن است) میتوانند جوانب قضائی قضایائی را که با آنها رو برو میشوند بدانند . این عمل مخصوصاً از لحاظ تفسیر و تعبیر اساسنامه های مؤسسات مزبور دارای اهمیت بسزائی بوده و مورد علاقه ملل متحد نیز میباشد .

تشریفات رسیدگی بدرخواست های واصله بدیوان بین المللی دادگستری برای رأی مشورتی ، مشابه مقرراتی است که در مورد اختلافات مطروحه قابل اجرا میباشد (ماده ۶۸) .

دیوان رأی مشورتی خود را در جلسه علنی اعلام میدارد (ماده ۶۷) . بطوریکه قبلاً گفته شد آرای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری الزام آور نمی باشند . معیناً امروزه بعضی قرار داد های بین المللی امضاء شده اند که در موارد معین درخواست رای مشورتی دیوان مزبور را طبق شرایطی که در اساسنامه دیوان ذکر شده اند پیش بینی کرده و جنبه الزامی نیز بآن رأی می بخشند .

اگرچه آرای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری الزام آور نیستند ، ولی از لحاظ موقیت و حسن شهرت بسزائی که این دیوان ، مثل خلف آن (دیوان دائمی بین المللی دادگستری سابق) ، دارا میباشد ، چنین آرای مشورتی از لحاظ سیاسی و اخلاقی دارای اهمیت زیادی هستند و در تصمیم خفائی کشورها و مؤسسات بین المللی مربوط فوق العاده مؤثر میگرددند ،

اگر چه نویسنده معتقد است نفی‌ر باینکه اغلب آرای مشورتی فقط با اکثریتی از قضات اظهار میگردند و اقلیت مخالف نیز حق عقیده خود را بطور جداگانه دارد، بنا بر این همان اندازه که نظر اکثریت مؤثر واقع می‌گردد نظر اقلیت مخالف نیز خالی از تأثیر نخواهد بود، مخصوصاً اگر در بین اقلیت قضات عالیهقامی نیز وجود داشته باشند که در، چنین صورت، نظر اقلیت نیز هر به مهمی در دست مخالفین سیاسی رای اکثریت خواهد بود.

در خاتمه یاد آور میشود که احکام قطعی و رأیهای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری بطور غیر مستقیم کمک مهمی بتوسعه قوانین بین‌المللی میکنند. زیرا پیدایش و رشد قوانین بین‌المللی از طریق قرار دادها و رسوم و عادات بین‌المللی و عقاید قضات و حقوق دانهای مهم ملل متمدن بعمل میآید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی